

# نظریه آموزش و پرورش آینده

## محورهای جلسه:

- ۱- معلمان باید نسبت به آموزش و پرورش فعلی چه رویکردی داشته باشند؟
- ۲- راهبرد مردمی برای اقامه نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟
- ۳- پاسخ حجیت یافته به سه سوال نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟

شورای راهبردی  
الگوی پیشرفت اسلامی  
۵ آذر ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَ  
مَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.



## شناسنامه

متن پیش رو پیاده شده ارائه حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «نظریه آموزش و پرورش آینده» با حضور جمعی از معلمان شهر بابل در روز شنبه مورخ ۵ آذر ۱۴۰۲ می باشد. پیشنهاد می شود این جزوه در قطع رحلی چاپ گردد.

## نظریه آموزش و پرورش آینده

اهمیت رویکرد انتقادی خودجوش  
معلمان نسبت به آموزش و پرورش فعلی

فرصت بی نظیر معلمان و  
مدیران برای اثرگذاری

به دلیل

۱۲ تا ۱۶ هزار ساعت دانش آموزان تحت آموزش آن  
ها هستند

در سنین کم که افراد در حال شکل گیری هستند با  
آن ها سرو کار دارند

عقاب اخروی معلمان در صورت بی توجهی  
به این فرصت اثرگذاری بر افراد

راهبرد خودجوش مردمی برای اقامه  
نظریه آموزش و پرورش آینده

زنده کردن سه سوال در ذهن «معلمان»،  
«پدر و مادرها» و «دانش آموزان»

سوال اول

شکل تدریس و ارزیابی چه تغییری کند تا  
آموزش و پرورش حفظ محور، فهم محور شود؟

سوال دوم

چه محتوایی باید در نظام آموزش و پرورش  
کشور تدریس شود؟

سوال سوم

هدف آموزش و پرورش چیست؟

شیوه زنده کردن سوال در مقابل شیوه ابلاغیه  
ای و دستوری و سند نویسی صرف

پاسخ حجیت یافته به سه سوال  
نظریه آموزش و پرورش آینده

پاسخ سوال اول

مدارس خانگی، شکل مطلوب  
مدارس و پدر بهترین معلم

به دلیل

پدر بیشتر از معلم فرزند را می شناسد

پدر دلسوزتر از معلم است

پدر مدت زمان بیشتری همراه فرزند است

پاسخ سوال دوم

کتاب جدید متعدد از جمله  
پیشگیری از بیماری

پاسخ سوال سوم

توانمند کردن افراد برای تنظیم  
بهینه روابط انسانی

## فهرست مطالب

- ۱- مقدمه ..... ۳
- ۲- اهمیت رویکرد انتقادی و خودجوش معلمان نسبت به آموزش و پرورش فعلی ..... ۴
- ۱-۲- فرصت بی نظیر معلمان و مدیران برای اثرگذاری بر افراد ..... ۴
- ۲-۲- عقاب اخروی معلمان در صورت بی توجهی به فرصت اثرگذاری بر افراد ..... ۴
- ۳- راهبرد مردمی و خودجوش برای اقامه نظریه: زنده کردن سه سوال در ذهن «معلمان»، «پدر و مادرها» و «دانش‌آموزان» ..... ۵
- ۱-۳- سوال اول: شکل تدریس و ارزیابی چه تغییری کند تا آموزش و پرورش حفظ‌محور، فهم‌محور شود؟ ..... ۵
- ۲-۳- سوال دوم: چه محتوایی باید در نظام آموزش و پرورش کشور تدریس شود؟ ..... ۶
- ۳-۳- سوال سوم: هدف آموزش و پرورش چیست؟ ..... ۶
- ۴-۳- راهبرد زنده کردن سوال در ذهن انسان‌ها نقطه مقابل راهبرد ابلاغیه‌ای و دستوری ..... ۹
- ۴- پاسخ حجیت‌یافته به سه سوال نظریه آموزش و پرورش آینده ..... ۱۱
- ۱-۴- مدارس خانگی، شکل مطلوب مدارس ..... ۱۱
- ۲-۴- اضافه نمودن کتب جدید از جمله پیشگیری از بیماری، جهت اصلاح محتوای آموزشی ..... ۱۲
- ۳-۴- توانمند کردن افراد برای تنظیم روابط انسانی از جمله تنظیم رابطه با خانواده، هدف آموزش و پرورش ..... ۱۳



سلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بسم الله الرحمن الرحيم. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين. و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا فى يوم الجزا و حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابى القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين ارواحنا لآماله الفدا و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الآن إلى قيام يوم الدين.

#### ۱- مقدمه

خوشحال هستم خدمت همه برادران و خواهران عزیز رسیده ام؛ معلمان محترم، مدیران مدارس، دوستان عزیزى که کار مهم آموزش و پرورش را در شهر بابلسر بر عهده دارند. این جلسه برای برادر کوچک شما بسیار مغتنم است. إن شاء الله مطالبی را که به اختصار عرض میکنم موجب شود تا آموزش و پرورش کشور یک قدم بهبود پیدا کند. همان طوری که به اطلاع شما رسیده موضوع بحث ما تبیین «نظریه آموزش و پرورش آینده» است. ما تقریباً شش هفت سال قبل نظریه‌ای را در قم تدوین کردیم تحت عنوان «نظریه آموزش و پرورش آینده». هدف از تدوین این نظریه این بود که اعتراض‌ها در کشور در مورد وضعیت و معایب آموزش و پرورش بالا گرفته بود و خیلی‌ها اعتراض داشتند و معتقد بودند که آموزش و پرورش نباید در وضعیت فعلی باقی بماند بلکه باید وضعیت بهتری پیدا کند. آن زمان به ذهن ما رسید که با استفاده از نظام سوالات مطرح در این نظریه که خدمت شما عرض می‌کنم، کمک کنیم به اینکه این اصلاح زودتر اتفاق بیفتد. لذا من از همه شما برادران و خواهران محترم که شغل شریف معلمی را انتخاب کردید تقاضا می‌کنم به سوالات این نظریه توجه ویژه‌ای داشته باشید. تا اینکه بعد إن شاء الله در جلسات دیگری و یا از طریق مکتوبات این سوالات را بررسی کنیم و پاسخ‌های احتمالی آن را هم ببینم.



## ۲- اهمیت رویکرد انتقادی و خودجوش معلمان نسبت به آموزش و پرورش فعلی

### ۲-۱- فرصت بی نظیر معلمان و مدیران برای اثرگذاری بر افراد

توجه کنید قبل از اینکه من سوالات نظریه آموزش و پرورش آینده را که سه سوال اصلی است خدمت شما توضیح بدهم، این نکته را عرض کنم که همه شما می‌دانید که بین ۱۲ تا ۱۶ هزار ساعت فرزندان ما دارند در آموزش و پرورش فعلی درس می‌خوانند. یعنی یک زمان قابل توجه در اختیار دستگاه آموزش و پرورش است. به نظر من هیچ دستگاهی در کشور چنین فرصتی را که الان در اختیار آموزش و پرورش است ندارد. آن هم در سنی که بچه‌ها بیشترین پذیرش را دارند و در واقع دارند شکل می‌گیرند ۱۲ هزار ساعت وقت در اختیار شما معلمان و مدیران قرار گرفته است.

### ۲-۲- عقاب اخروی معلمان در صورت بی توجهی به فرصت اثرگذاری بر افراد

اگر از این فرصت استفاده نکنید شما معلمان مانند طلبه‌ها باید بیشترین پاسخ را به خدای متعال پس بدهید. می‌دانید ما در روایاتمان داریم که در روز قیامت گناهان و اشتباهات تمام قشرها زودتر از قشر علما و طلبه‌ها بخشیده می‌شود. چرا؟ چون عالم و طلبه دانسته اشتباه می‌کند. اما ممکن است یک کشاورز یا صاحب یک حرفه دیگر وقتی خطایی می‌کند علم به آن نداشته باشد. حالا من فکر می‌کنم طایفه معلم‌ها هم همین حکم را دارند. اگر خدای نکرده به هر دلیلی شما به دانش‌آموزی که زیر دست شما هست یک آموزش غلط دادید یا یک تأثیر غلط روحی را بر او گذاشتید، این آموزش غلط و این تأثیر غلط روحی تا روز پایانی عمر آن دانش‌آموز با او همراه است. بنابراین من این نکته را در ابتدای عرائضم گفتم تا اهمیت بحث واضح شود. چون ممکن است یک برادر یا خواهر معتقد باشد به اینکه چون من مشکلات اقتصادی و یا مشکلات دیگری دارم لذا عملاً اهتمام لازم را به معلمی نمی‌دهم. بنده عرض می‌کنم این موجب می‌شود شب اول قبر سخت‌تر و روز قیامت پرمسئله‌تری برای ما رقم بخورد.

کما اینکه برای ما طلبه‌ها هم همینجوری است. دعا کنید که وقتی از این دنیا می‌رویم آغاز راحتی ما باشد نه اینکه آغاز پاسخگویی‌های جدی ما باشد که چرا وقت مردم را گرفتیم؟ چرا حرف‌های کم محتوا را به مردم ارائه دادی این یک بحثی هست که هم طلبه‌ها را تهدید می‌کند و هم شما برادران

و خواهران معلم را. بنابراین من با اینکه می دانم شما معلمی را جدی گرفتید اما باز پیشنهاد می کنم معلمی را جدی تر بگیرید تا این شاء الله آینده بهتری برای همه ما رقم بخورد.

### ۳- راهبرد مردمی و خودجوش برای اقامه نظریه: زنده کردن سه سوال در ذهن «معلمان»، «پدر و مادرها» و «دانش آموزان»

بینید در نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده سه سوال مطرح است. ما این سه سوال را از سه طایفه می پرسیم. اول از معلم ها می پرسیم و از آن ها خواهش می کنیم به این مسئله توجه کنند. در مرحله بعد این سه سوال را از پدر و مادرها و در درجه سوم از خود دانش آموزان می پرسیم. من گاهی وقت ها سر کلاس ها می روم. می بینم که این سه سوال را از دانش آموزان هم می شود پرسید. چون ذهن آن ها را جهت می دهد. حالا این سه سوالی که یک آینده جدیدی را برای آموزش و پرورش خواهد ساخت به ترتیب عبارت از این است.

#### ۱-۳- سوال اول: شکل تدریس و ارزیابی چه تغییری کند تا آموزش و پرورش حفظ محور، فهم محور شود؟

سوال اول اینکه شکل آموزش و پرورش مطلوب چگونه باید باشد؟ یعنی ما که داریم سیستم آموزشی را اداره می کنیم آیا به همین شکل فعلی اکتفا کنیم و یا اینکه می توانیم شکل جدیدی هم برای آموزش و پرورش تصور کنیم؟ این سوال اول است. شما می دانید که شکل فعلی آموزش و پرورش یک محور مهم دارد و آن اینکه بیش از حد بر مسئله حفظ تأکید می کند. چون شما وقتی برنامه مدرسه را به گونه ای تدوین می کنید که دانش آموز در سال دو بار باید امتحان بدهد. یعنی شما به صورت غیر بیانی دارید دانش آموز را سوق می دهید به این سمت که حفظ بکند. پس اثر این نوع امتحان گرفتن و ارزیابی شما در دانش آموز این است که او را به حفظ کردن مطالب ترغیب می کنید. این درحالی است که ما می دانیم که باید فهم ایجاد کنیم نه حفظ. همیشه دانش آموزان ما به سمت فهم مطلب سوق پیدا نمی کنند. به گونه ای که اگر شما آمارگیری کنید می بینید اکثر دانش آموزان

ما مطلب را نمی‌فهمند بلکه مطلب را حفظ می‌کنند. حالا من با توجه به این توضیحاتی که دادم سوال می‌پرسم که آیا نمی‌شود شکل جدیدی به آموزش و پرورش داد؟ یا می‌خواهید با همین شکل و همین دست فرمان ادامه دهید؟ این یک سوال که حالا من در ادامه آن را شرح خواهم داد.

### ۲-۳- سوال دوم: چه محتوایی باید در نظام آموزش و پرورش کشور تدریس شود؟

سوال دوم این است که چه محتوایی باید در نظام آموزش و پرورش کشور تدریس شود؟ آیا شما با تدریس محتوای فعلی موافق هستید؟ آیا فقط با خواندن همین کتاب‌ها زندگی ما بهتر خواهد شد یا اینکه نیاز است کتاب‌های جدید و محتوای جدیدی در آموزش و پرورش کشور تدریس شود؟ فارغ از اینکه مسئولین وزارت‌خانه چه فکری می‌کنند من از شما تقاضا می‌کنم به این سوال فکر کنید. چون بعضی از معلمانی که ما با آن‌ها محشور هستیم بلافاصله در پاسخ به سوال از محتوای آموزشی مدارس می‌گویند کتاب‌ها را از بالا منتشر می‌کنند به ما می‌دهند و ما باید همین کتاب‌ها را تدریس کنیم. من عرض می‌کنم فعلاً ما می‌خواهیم فکر کنیم. اینکه آموزش و پرورش فعلی کتاب‌های کنونی را منتشر می‌کند مانعی برای فکر کردن در این مسئله نخواهد بود. لذا من کمتر می‌بینم یک معلمی در جایی سخنرانی کند و یا دست به قلم ببرد و بگوید که آیا فلان کتاب هم در آموزش و پرورش لازم است یا نه؟ این هم سوال دوم. من از شما که از قشرهای بسیار تأثیرگذار بر پیشرفت کشور و آینده مردم ایران هستید خواهش می‌کنم به این سوال فکر کنید. آیا ما باید همین کتاب‌ها را تدریس کنیم یا اینکه باید کتاب‌های جدیدی در آموزش و پرورش تدریس بشود؟

### ۳-۳- سوال سوم: هدف آموزش و پرورش چیست؟

سوال سوم این است که اساساً هدف از آموزش چیست؟ افراد مطلعی از تاریخ آموزش ایران اظهار نظر کردند و گفتند اساساً نظام آموزش و پرورش کنونی کشور را برای این طراحی کردند که افراد وارد دانشگاه بشوند. گویی این حدود ۱۲ هزار ساعت را مقدمه‌ای برای ورود به دانشگاه گرفتند. یعنی کسانی که این نظام آموزش و پرورش را طراحی کردند گفتند ما باید بچه‌های مردم را با این درس‌ها آشنا کنیم تا بعد محتوای تکمیلی را بروند در دانشگاه بخوانند. حالا دانشگاه برای چیست؟

دانشگاه برای تربیت تکنیسین برای بخش تولید و خدمات کشور است. هدف دانشگاه این است. البته اگر بتواند این را محقق کند. بنابراین سوال من این است که آیا می‌شود در این هدف هم خدشه کرد و یا اینکه باید همین را بپذیریم؟

برخی این هدف را نپذیرفتند گفتند اساساً هدف ما برای آموزش فرزندانمان این است که آن‌ها یک زندگی خوبی داشته باشند. یعنی در مجموع بتوانند یک خانواده موفق را اداره کنند که حالا خانواده موفق هم حیث‌های مختلفی دارد. حیث‌های تربیتی دارد. حیث‌های عاطفی دارد. حیث معیشتی و شغلی دارد. حیث جنسی دارد و غیره. این دسته از افراد می‌گویند ما باید محتوای آموزشی را جوری بازتعریف کنیم که فرد بتواند خانواده موفق داشته باشد. چرا؟ چون مهم‌ترین شاخص پیشرفت تقویت خانواده است. البته اگر کسی مقلد انبیا باشد اینجوری فکر می‌کند. چون کسی که به تفکرات انبیا توجه کرده باشد خواهد دید که انبیا خانواده موفق را علامت سعادت می‌دانند. یک حدیث عجیبی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در ذهن من است که همیشه به آن فکر می‌کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد نزدیک‌ترین فرد به خودشان صحبت می‌کنند. می‌دانید پیامبر از همه حیث یک شخصیت برجسته هستند از حیث علم، از حیث عاطفه و غیره. حال چنین شخصیتی با برجستگی‌های ذو ابعاد می‌فرمایند نزدیک‌ترین شما به من کسی است که با خانواده خودش مهربان‌تر باشد. من به آقایان می‌گویم. پیامبر می‌گویند شاخص پیشرفت این است که به زن خود بیشتر احترام بگذارید. خب حالا اگر این را شاخص پیشرفت بدانیم آنوقت همه ما احتمالاً یک عقب افتادگی‌های جدی داریم. اما اگر نه شاخص را عوض کنیم و بگوییم علامت پیشرفت چیز دیگری است ممکن است بگوییم که همین آموزش و پرورش فعلی چیز خوبی است. حالا من از آقایانی که در جلسه حضور دارند یک سوالی می‌پرسم و در آخر جلسه هم یک سوال از خانم‌ها می‌پرسم. و آن اینکه شما آقایان چند تکنیک بلد هستید تا حقوق زنان خودتان را رعایت کنید. خود ما که معلم هستیم اصلاً این‌ها را بلدیم که حالا بخواهیم به دیگران بگوییم. پیامبر می‌فرمایند علامت پیشرفت رعایت بیشتر حقوق زن‌ها است. آن هم توسط شوهران و پدران آن‌ها. در یک روایت دیگری می‌فرماید اگر کسی دو دختر داشته باشد و این‌ها را درست تربیت کند خداوند متعال در عوض به این‌ها بهشت را هبه می‌کند. علامت پیشرفت ظاهراً در تفکرات پیامبران خیلی متفاوت است با تفکرات دنیای مدرن. حالا من عرض می‌کنم که اگر این ملاک‌ها وجود دارد ما چند تا از این تکنیک‌ها را

بلد هستیم؟ من یک نمونه را از اخلاق پیامبر بگویم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند اگر خانم‌های شما خواستند برای کار در خانه و شیر دادن فرزند از شما مردها حقوق بگیرند واجب است که به آن‌ها حقوق بدهید. الان شما این کار را می‌کنید و یا اینکه به زن خود می‌گویید وظیفه تو هست که کار خانه و تربیت فرزند را انجام بدهی؟ بله ممکن است یک خانمی بزرگوار باشد و بگوید من با خدا معامله می‌کنم. در خانه شوهرم کار می‌کنم و بچه‌های خودم را هم نگهداری می‌کنم. این اخلاق خوبی است. اما اگر زنی از شوهر خود طلب حقوق برای این دو کار را کرد بر شما واجب است که این حقوق را پرداخت کنید. صد تکنیک از این قبیل وجود دارد اما نظام آموزش و پرورش این‌ها را آموزش نمی‌دهد. به همین دلیل هم است که همه ما مهندس هستیم، همه ما دکتر هستیم، همه ما تحصیلات تکمیلی داریم. اما طلاق جامعه ما ۴۰ درصد است. یعنی همه ما در حفظ نهاد خانواده ضعیف هستیم. من ایالت‌های آمریکا را که بررسی می‌کردم دیدم بعضی از این ایالت‌ها ۸۰ درصد و برخی ۶۰ درصد طلاق داشتند. بعضی از کشورهای غربی را که نگاه می‌کردم دیدم بالای ۵۰ درصد متولدین حرام‌زاده هستند. به دلیل اینکه خانواده دچار فروپاشی شده همه چیز بی‌انضباط شده است. حالا [همین تنظیم روابط انسانی که من در مورد تنظیم رابطه فرد با خانواده خودش در اینجا صحبت کردم] می‌تواند هدف باشد. حالا شما فکر کنید و ببینید که آیا هدف فعلی آموزش و پرورش که عبارت از تربیت تکنیسین برای بخش خدمات و تولید است خوب است یا نه. یک پیشنهاد این است که دانش‌آموزان خود را به گونه‌ای درس بدهید تا بتوانند خانواده خود را سر پا نگه دارند. چه دختران و چه پسران را وقتی می‌خواهید درس بدهید این پیشنهاد را در نظر بگیرید.

پس این شد سه تا سوال. اگر به این سه سوال فکر کنیم به نظر من آینده آموزش و پرورش بهتر از وضعیت فعلی می‌شود. اما اگر مثل برخی از معلم‌ها و مدیران مدارس و حتی برخی مدیران در سطح وزارتخانه آموزش و پرورش حرف‌های دیگری را مطرح کنید و در حاشیه‌ها بروید آنوقت وضعیت آموزش و پرورش کشور بهتر از این نخواهد شد.

۴-۳- راهبرد زنده کردن سوال در ذهن انسان‌ها نقطه مقابل راهبرد ابلاغیه‌ای و دستوری باید با خود معلم‌ها مشورت کرد. با خود معلم‌ها گفت و گو کرد. و وقتی شما خواستید مشورت بگیرید و گفتگو کنید آغاز مشورت طرح سوال است نه ابلاغیه. نه اینکه اداره کل به ما ابلاغ کرد و گفت در سطح مدارس این کارها را انجام بدهید. باید دستگاه آموزش و پرورش از معلم‌ها، از خانواده‌ها و از دانش آموزان سوال بپرسد. سوال را وقتی تبیین کردید ذهن‌ها درگیر شده و افراد شروع به فکر کردن می‌کنند. این چقدر بد است که یک عده‌ای در مجلس می‌نشینند و برای ما یک قانونی را تصویب می‌کنند و به ما ابلاغ می‌کنند. وقتی هم که اعتراض می‌کنید که چرا باید نماینده‌های مجلس به جای ما تصمیم بگیرند می‌گویند خودتان به آن‌ها رأی دادید. من می‌گویم آیا نمی‌شود در این گزاره تجدید نظر کرد؟ اگر من به یک نفر رأی دادم آیا این رأی من سبب می‌شود که او قانون صحیح تصویب کند؟ بی ربط دارید جواب می‌دهید. من می‌گویم که چرا نماینده مجلس باید برای اداره کشور تصمیمات کلان بگیرد؟ می‌گوید چون تو به او رأی دادی. فرض کنید الان سیستم کشور هم همین است و ما باید بر همین اساس حرکت کنیم. در این صورت من می‌گویم رأی دادن که موجب درست حرکت کردن نماینده مجلس نمی‌شود. لذا ما معتقدیم در آینده کشور باید براساس سوالات خوب اداره شود.

الآن تنها کسی که دارد این کار را به نسبت انجام می‌دهد شخص رهبری هستند. ایشان ابلاغیه هم دارند دستور هم می‌دهند ولی اکثر کار ایشان این نیست بلکه کار اصلی ایجاد سوال جدید و تأمل جدید در مخاطبین خود است. اگر ما نتوانیم کاری را که ایشان دارد انجام می‌دهد را در زیرمجموعه‌ها ادامه دهیم هم ریا در جامعه ما زیادتر می‌شود. هم خلاقیت می‌میرد. هم نشاط از بین می‌رود. و در مجموع اگر این سه آفت تحمیل شد اصلاً تحولی ایجاد نمی‌شود. لذا اگر شما می‌خواهید در آموزش و پرورش یا در هر جای دیگری تحول ایجاد کنید باید وقت اصلی خودتان را به طرح سوالات خوب اختصاصی دهید. سوال خوب مطرح کنید همه به فکر فرو می‌روند امام علیه السلام یک حدیثی دارند می‌فرمایند حسن السؤال نصف العلم. یعنی سوال خوب وقتی مطرح شود نصف راه آموزش طی شده است.

حالا عرض من این است که اگر شما این سه سوال را درست می‌دانید وارد بحث و مباحثه شویم. مدیران شما هم جلساتی بگذارند که از معلمان بشنوند. چون معلمی کار دقیقی است و ممکن است شخصی که ۲۰ سال تجربه کار معلمی دارد بگوید یک سوال چهارمی هم لازم است به این سه سوال اضافه شود. یعنی ما اصراری به همین سه سوال نداریم. منتهی ما شروع تحول در آموزش و پرورش کشور را در این می‌دانیم که این سه سوال را زنده کنیم. برادران و خواهران عزیز اصل عرائض من تمام شد. من در قالب این سه سوال این را مطرح کردم. الآن متأسفانه برای معلم‌ها، خانواده‌ها و دانش آموزان نسبت به این سوالات حالت کلیشه در ذهن‌شان شکل گرفته است. به گونه‌ای که وقتی می‌پرسیم چرا این کتاب‌ها را درس می‌دهید؟ می‌گویند از بالا به ما ابلاغ کردند. می‌پرسیم چرا شکل آموزش و پرورش این طوری است؟ می‌گویند از اول اینجوری بوده است و ما هم رفتیم در آن. می‌پرسیم هدف آموزش و پرورش چیست؟ می‌گویند بچه‌ها باید بروند کنکور بدهند تا ببینیم بعداً چه می‌شود. این آن مطلبی است که من گفتم ما در روز قیامت مجبور هستیم به آن جواب بدهیم. خب حالا اگر خواستید تحول ایجاد کنید من می‌گویم از سر کلاس‌ها می‌توان تحول را ایجاد کرد. حتی اگر شما معلم ریاضی هستید، ده دقیقه از کلاس را وقت بگذارید و به دانش آموزانی که چون معلم آن‌ها هستید شما را دوست دارند بپرسید بچه‌ها برای چه چیزی آمدید اینجا درس بخوانید؟ آیا به این سوال فکر می‌کنید؟ به دانش آموزان بگویید بچه‌ها بیایید چشم‌هایمان را ببندیم و به آینده فکر کنیم. آیا می‌شود ما در آینده کتاب‌های دیگری را درس بدهیم و در مورد آن گفت‌وگو کنیم؟ برای دانش آموزان تخیل و فکر ایجاد کنید تا رشد کنند. مسئولان آموزش و پرورش هم همین‌طور باید همین ایجاد سوال را انجام بدهند.

ما یک استادی داشتیم که خدا ایشان را رحمت کند. ایشان را دعوت کردند در دانشگاه درس بدهد. یک آیت الله واقعاً ملایی بود. خیلی با سواد بود. ایشان به مدیر دانشگاه گفته بود باشه من استاد دانشگاه شما می‌شوم. ولی طبق مبنای شما ارزیابی نمی‌کنم. بلکه از اول ترم به دانشجویها می‌گویم شما قبول هستید نمره شما را دادم، تمام. یعنی دغدغه نمره را در ذهن دانشجوی خودم صفر می‌کنم. بعد در طول ترم شروع می‌کنم به اینکه یک تأملاتی را در ذهن این‌ها ایجاد کنم. آقا خدا می‌داند اگر کسی بتواند این کار را بکند تحول بزرگی است. در زندگی شخصی من هم این اتفاق افتاد.

ما یک استادی داشتیم که استاد اصلی من در حوزه بود. من ۱۸ سال پیش ایشان درس خواندم. یعنی تا روزی که از دنیا رفت. خودم از ایشان وقت می‌گرفتم تا درس یاد بگیرم. چون در برخورد اول که دهه محرم بود و ایشان در شهر ما منبر رفته بود ما وقتی شروع به صحبت با ایشان کردیم، او ذهن ما را با سوالات خوبی که مطرح کرد فتح کرد. در نتیجه من ۱۸ سال شاگرد ایشان شدم. پس نگویید من با نمره و ارزیابی و مدرک دانش آموز را نگه می‌دارم. او را نگه نمی‌داری. جسمش در کلاس با تو است. دلش با تو نیست. حالا کلید فتح دل دانش آموز چیست؟ حضرت فرمود سوال خوب. سوال مفتاح و کلید است. هر کسی ۵ تا سوال می‌تواند در ذهن مخاطب خود ایجاد کند یعنی ۵ تا کلید دارد. کسی که ۵۰ سوال می‌تواند ایجاد کند ۵۰ کلید دارد. کسی که یک سوال می‌تواند ایجاد کند یک کلید دارد. ما مسیر را باید با طرح سوال جلو برویم. و این نیازی به ابلاغیه هم ندارد بلکه همه شما معلمان می‌توانید با مدیران مدرسه خود هماهنگ کنید و ده دقیقه یک ربع به تحریک کردن فکر مخاطبان خود پردازید و در ذهن آن‌ها سوال ایجاد کنید تا باب گفت و گو باز شود.

#### ۴- پاسخ حجیت یافته به سه سوال نظریه آموزش و پرورش آینده

در خاتمه یک جمله آخری هم می‌گوییم. و آن اینکه در هر سه محور مفصلاً می‌شود بحث کرد. من فقط یک اشاره‌ای بکنم.

#### ۴-۱- مدارس خانگی، شکل مطلوب مدارس

ما در قم به این نتیجه رسیدیم که شکل مطلوب مدرسه مدارس خانگی است. چون پدر و مادر بهتر از دیگران می‌توانند فکر فرزند و دانش آموز خود را برعهده بگیرند. حالا اینکه مدارس خانگی را چگونه می‌توان احیا کرد؟ و موانع آن چیست؟ بعداً باید در این زمینه صحبت کنیم. اما خواستم اجمالاً به این گمانه فکر کنید. شما فکر کنید که اگر پدر و مادری بتواند - چون توانستن پدر و مادر هم مهم است - معلم فرزند خود بشوند از نظر امیرالمومنین بهترین گزینه است. حضرت در یک روایت می‌فرمایند پدر معلم فرزند خودش است. می‌فرماید فرزند خود را ندهید توسط دیگران تربیت شود. در ادامه حضرت استدلال‌هایی دارند. می‌فرمایند چون معلم فرزند شما بهتر از شما فرزند شما



را نمی‌شناسد. دلسوزتر از شما نسبت به فرزند شما نیست. وقت او هم به اندازه وقتی که شما با فرزند خود هستید نیست. لذا من وقتی دارم آینده را تصور می‌کنم فکر می‌کنم یک خانواده‌هایی به وجود می‌آید که این‌ها معلم بچه‌های خودشان می‌شوند. اگر هم نیاز شد پدر یک معلم در کنار خودش استخدام بکند. اما اینکه ما بچه‌های خود را ۱۲ هزار ساعت تحویل یک سیستم آموزشی بدهیم وضعیت خوبی نیست و نتیجه‌اش را هم داریم می‌بینیم. این یک نکته.

## ۲-۴- اضافه نمودن کتب جدید از جمله پیشگیری از بیماری، جهت اصلاح محتوای آموزشی

در مورد محتوای آموزشی و کتاب‌ها هم یک نکته بگویم. کتاب‌های جدید زیادی می‌توان به آموزش پرورش اضافه کرد. من یک پیشنهاد می‌دهم. اگر می‌خواهید دانش آموزانتان شما را دعا کنند کتاب پیشگیری از بیماری را به دانش آموزان خود آموزش بدهید. وزارت بهداشت که حرف ما را گوش نمی‌کند. من همیشه هم به آن‌ها اعتراض می‌کنم. آن‌ها که پیشگیری از بیماری آموزش نمی‌دهند. اگر دوست دارید دانش آموزان شما زندگی خوبی داشته باشند به آن‌ها یاد بدهید که چه کار کنند تا مریض نشوند. وضعیت بیماری در جامعه هر روز دارد زیادتر می‌شود. علت آن هم این است که وضعیت پیشگیری از بیماری‌ها در جامعه ما در حد صفر است. در حد صفر. مثلاً اگر الان من سوال بپرسم که چه کار می‌کنید تا کبد شما از بین نرود، خیلی راه‌های مشخصی ندهید. البته از نظر من خود آقایان اطبا هم نمی‌دانند که چه کار باید بکنند تا کبد آن‌ها از بین نرود. این‌ها از تخصص‌های انبیا هست. باید از انبیا و طب اسلامی این‌ها را پرسید.

یک نکته‌ای را بگویم. چند روز قبل یکی از متخصصان مغز و عصب داشتند در مورد بعضی از بیماری‌های خاص مغز و عصب صحبت می‌کردند. ایشان که آدم مطلعی بودند داشتند گزارش دادند و می‌گفتند که در دنیا هنوز کسی نمی‌داند که این نوع خاص از بیماری‌های مغز و عصب چرا به وجود می‌آید. بنابراین هنوز هیچ درمان ریشه‌ای هم برای آن وجود ندارد. ولی به هر حال برای پیشگیری از بیماری‌های کبدی، پیشگیری از بیماری‌های مغز و عصب، پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی و غیره برای دانش آموزان خود وارد بحث شوید. اگر یک روزی مجموعه ما در کشور

اختیار پیدا کند. ما حتماً کتاب پیشگیری از بیماری ۱، پیشگیری از بیماری ۲ و پیشگیری از بیماری ۳ را تدریس می‌کنیم. اگر به ما بگویند چرا این کار را می‌کنید؟ می‌گوییم برای اینکه وقتی دانش آموز من می‌خواهد ۶۰ سال ۷۰ سال، کمتر یا بیشتر به هر میزانی که خداوند متعال برای او عمر در نظر گرفته است در دنیا زندگی کند، او کمتر بیمار شود کمتر برود بیمارستان. کتاب پیشگیری از بیماری خیلی مهم است. حال شما فکر کنید که علاوه بر این چه کتاب‌های دیگری نیاز است. من نمی‌خواهم این بحث را کامل کنم. فقط خواستم بحث یک مقداری تکمیل شود.

### ۳-۴- توانمند کردن افراد برای تنظیم روابط انسانی<sup>۱</sup> از جمله تنظیم رابطه با خانواده، هدف آموزش و پرورش

در مورد هدف از آموزش و پرورش هم من خواهش می‌کنم روشنفکر بودن را کنار بگذارید. شبیه انبیا باشید. اگر خودتان فرزند دارید به او بگویید که پیامبران گفتند انسان نزدیک به سن بلوغ باید ازدواج کند. چه دختر چه پسر. خصوصاً در مورد دخترها خیلی واجب است. من فکر می‌کنم برخی از معلم‌های ما یک کاری کردند که دخترهای ما تحصیل را اولویت دادند حالا دیگر خواستگار ندارند. البته به آن‌ها مدرک دادیم اما جذابیت‌های جسمی و جذابیت‌های اخلاقی آن‌ها کاهش پیدا کرده است و دیگر خواستگار ندارند. من الآن نمی‌خواهم آمار دخترانی را بدهم که به خاطر مدرک گرفتن

---

<sup>۱</sup> ما در مدرسه هدایت انواع روابط انسانی را احصا نموده‌ایم. چرا که می‌دانیم اساساً زندگی انسان‌ها چیزی نیست جز مجموعه‌ای از روابطی که یک انسان با رئیس و مرئوس (امام و مأموم) خود دارد. یا با معلم و شاگرد خود دارد. یا با همسفر، دوست و دشمن خود دارد. یا با همسایه، مهمان و هر یک از اعضای خانواده خود دارد. یا با یتیم، فقیر، ابن السبیل و در یک کلمه محرومان جامعه خود دارد. یا با همکار، شریک شغلی خود و غیره دارد. البته می‌دانیم انسان‌ها با خود، خدا و ماوراء الطبیعه و غیره هم رابطه دارند اما این روابط هم اثر خودشان را در رابطه یک انسان با دیگر انسان‌ها نشان می‌دهد. در نتیجه با توجه تمام و کامل به اصلاح رابطه انسان با دیگر انسان‌ها می‌توان تمامی ابعاد روابط انسانی را اصلاح نمود. حال سوال اساسی این است. آیا غیر از این است که یک انسان اگر بتواند تمامی این روابط انسانی خود را به نحو مطلوب و بهینه تنظیم نماید، به آرامش رسیده و رضایتمندی و به عبارتی بهشت را در همین دنیا برای خود رقم زده است؟ خیر غیر از این نیست. دقیقاً به همین دلیل است که تمامی دستورات و معارف اسلامی که در اوج نظام‌یافتگی، درهمنیافتگی و قوام‌یافتگی هستند در صدد این معنا می‌باشند که نظامات اجتماعی را که زندگی همه انسان‌هایی که در یک جامعه زندگی کنند به ناچار در متن و بطن آن نظامات جریان خواهد داشت به نحوی بازتعریف، تصویر و اقامه نمایند که انسان‌ها را در امر حیاتی «خود تنظیمی روابط انسانی» آن‌ها با دیگران یاری کنند. بنابراین تمامی نظامات و ترتیبات اجتماعی در جمهوری اسلامی و در هر حکومت حتی غیر اسلامی اگر بخواهد مردم خود را به سعادت حتی صرفاً دنیوی هم برساند باید در خدمت توانمند نمودن انسان‌ها باشد در این زمینه که افراد بتوانند خودشان تمامی روابط انسانی حول خودشان را تنظیم کنند. حال می‌دانیم یکی از این نظامات و ترتیبات اجتماعی مهم نظام آموزش و پرورش است. بنابراین نظام آموزش و پرورش هم باید در خدمت هدف «خود تنظیمی روابط انسانی» و کمک‌کننده به آن باشد.

ازدواج نکردند چقدر بالا رفته است. این پدیده سنگینی است. خود آن دختر بیشترین فشار را متحمل می‌شود. اما زمانی می‌فهمد که دیگر نمی‌تواند کاری کند.

در مورد پسرها هم همین‌طور. عذرخواهی می‌کنم. آیا می‌خواهید بگذارید پسرها و دخترهای ما همه جور تجربه جنسی ناسالم را تجربه کنند؟ و بعد از آن مسیر حلال را برای آن‌ها باز کنید؟ از اول با بچه‌ها صحبت کنید که اولین تصمیم هر مرد پیشرفته از نظر تفکر انبیا این است که چه موقع و با چه کسی باید ازدواج کنید. این سوال را در ذهن او ایجاد کنید. مهم‌ترین تصمیم زندگی انسان ازدواج و تشکیل خانواده است. چرا شما سوال سوالات فرعی را در ذهن بچه‌های خودتان تبدیل به سوالات اصلی می‌کنید؟ ممکن است یک پدری به فرزند خود بگوید پسر من تو در آینده مجبور هستی در کنکور شرکت کنی. یا به پسر خودش می‌گوید شما الان امتحان ترم داری. پدر محترم شما حواست نیست که داری سوالات اصلی را از ذهن او محو می‌کنی. من خودم وقتی که نزدیکان ما درس می‌خواندند من به آن‌ها می‌گفتم نمره چند گرفتی؟ حالا اگر نمره پایین می‌گرفت به او جایزه می‌دادم. اما اگر نمره بالا می‌گرفت اصلاً جایزه نمی‌دادم. چرا این کار را می‌کردم؟ چون می‌خواستم به او بفهمانم و او هم متوجه شد. خواستم بگویم بابا جان اصلاً مهم نیست معدل تو چند باشد. ولی برای تو مهم است که اگر شوهر کردی یا زن گرفتی زن خود را اذیت نکنی. شوهر خود را اذیت نکنی. وقتی بلد نیستی زن داری و شوهرداری کنی زندگی خودت را خراب می‌کنی.

بنابراین شروع به مطرح کردن سوالات مهم ب فرزندتان خود کنید. ما نباید سوالاتی که تمدن مدرنیته ایجاد کرده را مطرح کنیم؟ حالا به آن سوالات هم یک جایی می‌دهیم. من خیلی تنگ‌نظری ندارم به آن سوالات هم یک جایی بدهید. اما هدف از آموزش و پرورش باید بشود احیای خانواده و تشکیل یک جامعه پیشرفته.

بیش از این تصدیع نمی‌کنم. امیدوارم در جلسات دیگری بتوانیم در مورد این یه پرسش گفتگو و بحث بکنیم. اگر دوستان فرمایشی در مورد این موضوعات دارند بفرمایند من استفاده می‌کنم. عرائض بنده تمام شد.

والحمدلله رب العالمین.



## سخن پایانی:

ما شروع تحول در آموزش و پرورش کشور را در این می‌دانیم که این سه سوال را زنده کنیم. یعنی پرسیم که شکل، محتوا و هدف مطلوب آموزش و پرورش آینده چگونه است؟ الآن متأسفانه برای معلم‌ها، خانواده‌ها و دانش آموزان نسبت به این سوالات حالت کلیشه در ذهن‌شان شکل گرفته است. به گونه‌ای که وقتی می‌پرسیم چرا این کتاب‌ها را درس می‌دهید؟ می‌گویند از بالا به ما ابلاغ کردند. می‌پرسیم چرا شکل آموزش و پرورش این طوری است؟ می‌گویند از اول اینجوری بوده است و ما هم رفتیم در آن. می‌پرسیم هدف آموزش و پرورش چیست؟ می‌گویند بچه‌ها باید بروند کنکور بدهند تا ببینیم بعداً چه می‌شود. این آن مطلبی است که من گفتم ما در روز قیامت مجبور هستیم به آن جواب بدهیم.



**نشست تخصصی نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده**

**روز یکشنبه ۵ آذر ۱۴۰۲ با حضور معلمان شهر بابلسر برگزار گردد.**